

## زن در عرفان از دیدگاه حکیم سبزواری و امام خمینی رحمتهما علیهما

صدیقه گلاب‌کش<sup>۱</sup>، محمدتقی فعالی<sup>۲</sup>، علی شیخ‌الاسلامی<sup>۳</sup>

### چکیده

در مورد جایگاه زن در منابع و متون اسلامی از جمله متون عرفانی مباحث و آرای متفاوتی وجود دارد. پژوهش حاضر به روش اکتشافی - استنباطی دیدگاه عرفانی حکیم سبزواری درباره زن را استنباط نمود و با هدف بررسی تطبیقی دیدگاه عرفانی حکیم سبزواری و امام خمینی رحمتهما علیهما نسبت به جایگاه زن به شیوه توصیفی - تحلیلی انجام شد. با بررسی‌های به عمل آمده مشخص شد که در موضوع دیدگاه حکیم سبزواری نسبت به زن و تطبیق آن با دیدگاه امام خمینی رحمتهما علیهما پژوهشی انجام نشده است. برای تبیین دیدگاه این دو متفکر در مورد جایگاه زن تلاش شد تا نگاه قرآنی و روایی ایشان کشف و مقایسه شود. بدین منظور کتب *اسرارالحکم*، *نبراس‌الهدی*، *تعلیقات حکیم سبزواری بر اسفار و صحیفه امام خمینی رحمتهما علیهما* مورد تجزیه، تحلیل و تطبیق قرار گرفت. نتایج حاصل از پژوهش حاضر نشان داد که نگاه حکیم سبزواری به زن از نظر عرفانی محدودساز و از نظر اجتماعی و فردی، منفی و مبتنی بر سنت پذیرفته شده دوره خویش است و در بعضی موارد با سخن ایشان در مواضع آثارش متناقض است و هماهنگی ندارد، در حالی که دیدگاه امام خمینی رحمتهما علیهما به دلیل شرایط اجتماعی و فردی جامعه زمان خویش، نگاهی جمالی و رحامتی به زن بوده و زن را واجد کمالات و شرایط اجتماعی مرد دانسته است.

**واژگان کلیدی:** جایگاه زن، عرفان، قرآن، حکیم سبزواری، امام خمینی رحمتهما علیهما.

نوع مقاله: ترویجی تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۰۶ تاریخ بازنگری: ۱۳۹۸/۱۲/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۰۱

۱. دکترای عرفان، دانشکده حقوق الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی تهران.

Email: sedigheh.golabkesh@gmail.com

۲. دانشیار عرفان اسلامی، دانشکده حقوق و الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: m.faaali@yahoo.com

۳. استاد عرفان اسلامی، دانشکده حقوق الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: yaalimfs@gmail.com

## Women in Mysticism from Hakim Sabzevari's and Imam Khomeini's Views

Sedigheh Golabkesh<sup>1</sup>, Mohammad Taghi Faali<sup>2</sup>, Ali Sheikh al-Eslami<sup>3</sup>

There are different issues and opinions about the position of women in Islamic sources, including mystical texts. The present study deduced Hakim Sabzevari's mystical views about women with an exploratory-inferential method and it was conducted with the purpose of comparatively investigating Hakim Sabzevari's and Imam Khomeini's mystical views about the position of women with a descriptive-analytical method. Reviewing the previous researches concluded that there is no research on Hakim Sabzevari's and Imam Khomeini's views about the position of women and comparing them. For explaining these two thinkers' views about the position of women, this study tried to explore and compare their Quranic and narrative views; thus, Asrar al-Hekam, Nabras al-Hoda, Hakim Sabzevari's comments on Asfar, and Imam Khomeini's Sahifah were analyzed. The results demonstrated that Hakim Sabzevari's mystical view of women is limited and negative, individually and socially, and is in accordance with the accepted tradition of his era, and in some cases, his opinions are contrary to his works, while Imam Khomeini's view, due to the individual and social conditions of the society of his time, is a beautiful and compassionate view of women, and considers them to have the perfection and social conditions of men.

**Keywords:** position of women, mysticism, Quran, Hakim Sabzevari, Imam Khomeini.

---

### Paper Type: Review

**Data Received:** 2019/11/27    **Data Revised:** 2020/03/18    **Data Accepted:** 2020/05/21

1. Ph.D. in Mysticism, Faculty of Law, Theology and Political Sciences, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran.

Email: sedigheh.golabkesh@gmail.com

2. Associate Professor of Islamic Mysticism, Faculty of Law, Theology and Political Sciences, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

Email: m.faali@yahoo.com

3. Professor of Islamic Mysticism, Faculty of Law, Theology and Political Sciences, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran.

Email: yaalimfs@gmail.com

## ۱. مقدمه

براساس آموزه‌های اسلام انسان برای خداشناسی باید به خودشناسی بپردازد: «من عرفه نفسه فقد عرف ربه» (آمدی، ۱۳۸۱). انسان هدف اصلی آفرینش و غایت خلقت است و جهان به طفیلی او و بلکه برای او آفریده شده است (جامی، ۱۳۵۷). در حدیث قدسی آمده است که خداوند متعال فرمود: «یا بنی آدم خلقت الاشیاء لأجلک و خلقتک لأجلی؛ ای فرزند آدم، همه چیز را برای تو و تو را برای خودم آفریدم» (فیض کاشانی، ۱۳۸۴). روح انسان، ظهور و تجلی روح الهی است (رک، ص: ۷۲) و انسان با جلوه روح الهی در سیر تکاملی خود، می‌تواند به تمام مقامات متعالی دست پیدا کند و از ملائک بالاتر رود. به همین دلیل خداوند پس از آفرینش روح انسان به خود تبارک گفت (رک، مؤمنون: ۱۴). حکمت فلسفی و عرفانی الهی سعی دارد با توجه به اوصاف و ماهیت انسان، تعریفی در مورد او ارائه دهد. در فلسفه، انسان به‌عنوان حیوان ناطق و در عرفان به حی متاله تعریف شده است (جوادی آملی، ۱۳۹۲). انسان در نگاه عارفان، کامل‌ترین نسخه تجلیات الهی و جامع‌ترین مرتبه از مراتب هستی است. عالم و جهان آفرینش بی‌وجود انسان مثل پیکری بی‌جان است و انسان، جان جهان است و با خلقت او عالم وجود تمامیت می‌یابد و کامل می‌شود. انسان در نظام هستی مانند نگین انگشتر، مهر گنجینه وجود و خلیفه خدا در جهان است (قیصری، ۱۳۷۰)؛ انسانی که خلیفه‌الله است (رک، بقره: ۳۰)، انسانی که صورت الهی دارد (رک، کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق)، انسانی که روح الهی است (رک، حجر: ۲۹) و کرامت بسیار عالی دارد.

کرامت به معنای کارهای شگفت‌انگیز و خارق‌العاده است که از بعضی بزرگان اهل معنویت سر می‌زند و نیز به معنای بزرگی و ورزیدن، سخاوت، سرافرازی و... است. (دهخدا، ۱۳۷۳) براساس آیه هفتاد سوره اسراء برترین مخلوق یعنی انسان، کرامت ذاتی از جانب خداوند دارد که با ایمان و عمل صالح می‌تواند به فضایل دنیوی و اخروی دست یابد (رک، عصر: ۳). دیدگاه‌های مختلف درباره زن در طول تاریخ محل مناقشه و گفت‌وگو بوده است. عده‌ای زن را پست‌تر از مرد می‌دانند و او را تا حد حیوان پایین آورده‌اند (سبزواری، ۱۳۶۸، ۷۰-/-) و عده‌ای دیگر زن را هم‌ردیف مرد و حتی محبوبه خلقت می‌دانند (مطهری، ۱۳۸۱).

پژوهش حاضر به روش اکتشافی - استنباطی دیدگاه عرفانی حکیم سبزواری درباره زن را



استنباط نمود و باروش توصیفی- تحلیلی امام خمینی رحمته الله علیه و دیدگاه عرفانی حکیم سبزواری درباره جایگاه زن و تبیین نگاه قرآنی و روایی این دو عارف و تطبیق دیدگاه ایشان را مورد بررسی قرار داد. اطلاعات و داده‌های پژوهش حاضر به روش کتابخانه‌ای و با بررسی منابع مربوطه اعم از مقالات و کتب جمع‌آوری گردید. با بررسی‌هایی که در منابع صورت گرفت، مشخص شد که مقایسه تطبیقی اندیشه عرفانی حکیم سبزواری و دیدگاه امام خمینی رحمته الله علیه درباره زن تاکنون در پژوهشی بررسی نشده است. همچنین مشخص شد که دیدگاه عرفانی حکیم سبزواری درباره زن نیز تاکنون به صورت منسجم و منظم بررسی نشده است.

## ۲. چارچوب نظری پژوهش

### ۲-۱. مقام زن در قرآن

انسانیت انسان و تمام حقیقت انسان را جان او تأمین می‌کند، نه جسم و نه مجموع جسم و جان او. چنانچه در توفی، جان گرفته می‌شود و بدن باقی می‌ماند و می‌پوسد؛ ذکورت و انوثن نیز به ماده برمی‌گردد. (ر.ک.، قیامت: ۳۷-۳۹) قرآن بدن را فرع می‌داند و به طبیعت و خاک و گل نسبت داده (ر.ک.، ص: ۷۱) و روح را که اصل است به خود نسبت می‌دهد (ر.ک.، اسراء: ۸۵). آیت الله جوادی آملی (۱۳۸۵) می‌گوید: «بدن انسان ابزاری است متناسب با هر نشئه که در دنیا و یا برزخ و یا قیامت متناسب با آن نشئه است». قرآن برای هدایت انسان نازل شده است نه هدایت مرد (ر.ک.، بقره: ۱۸۵؛ الرحمن: ۱-۴) و در این مورد از کلمه ناس و انسان استفاده کرده است. روح، مخاطب دعوت انبیا (ر.ک.، یوسف: ۱۰۸) و شاگرد قرآن در تعلیم و تربیت است (ر.ک.، شمس: ۷-۸). در مکتب الهی تنها عامل فخر، تقواست و بدن مرد و زن از هم بالاتر نیستند و در خلقت یکی می‌باشند. نژاد و صنف، سبب برتری نیست بلکه همه را خداوند از زن و مرد خلق کرده است چنانچه می‌فرماید: «یا ایها الناس ان خلقناکم من ذکرو انثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا ان اکرکم عندالله اتقیاکم» (حجرات: ۱۳). تمام حقیقت انسان روح است که با عبادت و بندگی به تعالی می‌رسد و روح، مذکر و مؤنث ندارد. برخلاف سنت قبل از اسلام، قرآن به زن و به‌ویژه مقام والای مادر توجه بسیار دارد (ر.ک.، احقاف: ۱۵) و در روایات نیز به این مقام اشاره شده است. چنانچه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «الجنه تحت الاقدام الامهات» (محدث نوری، ۱۴۰۷ هـ.ق).

قرآن زنان بافضیلت را الگو معرفی می‌کند و حتی بعضی از آنها با فرشتگان تکلم داشته‌اند مانند حضرت مریم (ر.ک.، آل عمران: ۴۲)، ساره (ر.ک.، هود: ۷۱)، آسیه، زن فرعون (ر.ک.، تحریم: ۱۱) و... بنابراین، در قرآن از زن به عظمت یاد شده است.

## ۲-۲. زن در عرفان

تجربه عرفانی و معرفت‌شهودی، پیشینه‌ای به اندازه حیات انسان در روی زمین دارد. عرفان، حقیقتی است که از راه بینایی دل، نور بصیرت و عبادت و بندگی حق برای انسان حاصل می‌شود و انسان در پرتو آن می‌تواند به رؤیت جمال دل‌آرای حقیقت هستی برسد. (صادق ارزگانی، ۱۳۸۹) امام خمینی رحمته‌الله علیه خاستگاه معارف عرفانی را آموزه‌های وحیانی و مناجات اهل بیت علیهم‌السلام می‌داند (موسوی خمینی، ۱۳۷۹). عرفان اصیل اسلامی را منطق وحی یعنی، قرآن و روایات اهل بیت عصمت (حسن‌زاده آملی، ۱۳۷۹) شامل می‌شود. علمای بسیاری مانند ابن عربی، حلّی، شهید ثانی و کاشانی بیشترین تلاش را برای هماهنگی میان آموزه‌های وحیانی و عرفانی داشته‌اند. هر موجودی در عرفان، مظهر اسمی از اسامی خداوند است؛ چون خلقت از صفات فعلی خداوند است و خلقت، تجلی خالق در مظاهر گوناگون است و تجلی الهی مقول به تشکیک است، بدیهی است که کامل‌ترین تجلی الهی در وجود انسان صورت گرفته است (صادق ارزگانی، ۱۳۸۹). بنابراین، زن و مرد هر دو جلوه وجود حق و ظهور اسمی از اسامی خداوند هستند که می‌توانند در مسیر کمال گام بردارند. انسان در صورت و سیرت یعنی، ظاهر و باطن تجلیگاه جمال دوست است. قیصری (۱۳۷۰) در شرح فص محمدی از فصوص ابن عربی می‌گوید: «از نظر حقیقت، میان زن و مرد امتیازی نیست و حقیقت زن، عین حقیقت مرد است و فقط از جهت تعین و تشخیص از یکدیگر ممتازند».

جمال الهی در زن در صورت و سیرت، بیشترین تجلی را از این وصف متعالی دارد. به همین دلیل رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «حب الی من دنیاکم النساء و الطیب و جعل قره عینی الصلاه؛ از دنیای شما سه چیز مورد محبت من است: زنان، بوی خوش، و روشنی چشم من در نماز قرار داده شده است» (ابن‌باویه، ۱۴۰۳ هـ.ق). این حدیث مورد توجه عارفان از جمله محیی‌الدین عربی در فصوص‌الحکم است. آیت‌الله جوادی آملی به نقل از وی می‌گوید:

ذات اقدس خداوند منزّه از آن است که بدون مجلا و مظهر مشاهده شود. هر



مظهري که بیشتر جامع اسماء و اوصاف الهی باشد، بهتر خدا را نشان می دهد و زن در مظهریت خدا کامل تر از مرد است؛ زیرا مرد فقط مظهر قبول و انفعال است چون مخلوق حق است، اما زن هم مظهر قبول و انفعال الهی است و هم مظهر فعل و تأثیر الهی؛ چون در مرد تصرف می کند و او را مجذوب و محب خود می سازد و این تصرف و تأثیر، نموداری از فاعلیت خداست و از این جهت، زن کامل تر از مرد است. اگر مرد بخواهد خدا را در مظهریت خود مشاهده کند، شهود او تام نیست، ولی اگر بخواهد خدا را در مظهریت زن بنگرد، شهود او به کمال و تمام می رسد. از این رو، زن محبوب پیامبر ﷺ قرار گرفت و در آن حدیث معروف فرمود: «از دنیای شما زن و بوی خوش، محبوب من قرار داده شد و نورچشم من در نماز است». (جوادی آملی، ۱۳۸۵)

البته منظور پیامبر ﷺ از بیان این حدیث، رسیدن به حب الهی است، بنابراین، چون انسان محب حق است مظهر جمال او را که زن است نیز دوست می دارد. این محبت در دنیا با ازدواج و تشکیل زندگی مشترک بیشتر تأمین می شود و ظهور کامل تری می یابد (حسن زاده آملی، ۱۳۷۸). زن جلوه آفرینش و بنیان گذار رحامت است. بعضی عارفان، رحم را جلوه اسم الرحمن الهی و نشأت گرفته از آن می دانند و صله رحم در حقیقت پیوند با اسم الرحمن است و قطع کننده آن از رحمت خداوند بی نصیب است (حسن زاده آملی، ۱۳۷۸). همان طور که مردان الهی مظهر عقل کل هستند، زن نیز مظهر نفس کل است (ابن عربی، ۱۴۲۲هـ.ق؛ لاهیجی، ۱۳۷۳). بر این اساس عارفان، حضرت فاطمه علیها السلام را به جوهر قدسی و صورت نفس کل به وجه اتم یاد کرده اند که از عالم عقلی افاضه شده است و در نشئه دنیا به صورت بشری تجلی کرده است (ابن عربی، ۱۳۸۳). پیامبر صلی الله علیه و آله، حضرت زهرا علیها السلام را ام اییها یعنی، مادر پدری نامید که مقام خاتمیت از اوست (ارطبی، ۱۳۸۱).

## ۲-۳. دیدگاه عرفانی حکیم سبزواری درباره زن

حکیم سبزواری در ذیل سر مسئله بلوغ شرعی، علت زودتر به سن بلوغ رسیدن دختر را ناقص العقلی زن می داند، چنانچه بیان می دارد:

حکمت اینکه دختر را با نقص عقل، نسبت به پسر زودتر تکلیف کرده اند چند چیز است: ... سیم آنکه گذشت که آدمی را عقل نظری و عقل عملی می باشد و باید اینها اصلاح شوند تا آدمیت به فعلیت انجامد و اغلب این است که نسوان از تکمیل عقل نظری و اندوختن معارف تفصیلی بی نصیبند، پس باید به تکلیف مبادرت شوند تا لاقلاً اصلاح عقل عملی شود. (سبزواری، ۱۳۸۸)



همین مضمون را درباره علت تسریع سن بلوغ دختر در *نبراس الهدی* بیان می‌کند: «ثلثها منها من تکمیل العقل النظری محرومه، فلتقبل علی تکمیل العقل العملی فان ما لایدرك کله لا یتربک کله کما قلنا؛ و من کمال النظری اذ تحرم الی کمال العملی تقدم». (سبزواری، ۱۳۹۲) بنابراین، حکیم سبزواری دختر را ناقص العقل می‌داند و علت اینکه دختر زودتر از پسر به سن بلوغ می‌رسد را بی‌نصیب بودن دختر از عقل نظری می‌داند که زن اگر عقل عملی را بتواند تکمیل کند، نمی‌تواند عقل نظری را داشته باشد. ایشان در *اسرار الحکم* در بیان سزوزه قضای زن حائض را کم‌عقلی او و طفیلی مرد بودن وی می‌داند:

سر اینکه روزه را قضا می‌کند و نماز را نه، چون مرد عقل و اکمل از زن است وجود زن به وجهی طفیلی مرد است چنانکه احکام شرعیه مانند اطاعت و طلاق و تعدد دائمه تا بلوغ نصاب و تکثیر مملوکه و منقطعه هر قدر بخواهد منادی به این است. (سبزواری، ۱۳۸۸)

در *نبراس الهدی* آمده است: «و اذ تری الدانی للعالی فدا - فجانب الزوج یراعی لاعتدا - منثم فالطلاق کان بیده - و جاز فی التزیوج عن توحده». (سبزواری، ۱۳۹۲) حکیم در این فرازها مرد را از زن، عاقل‌تر و کامل‌تر می‌داند. وی علت احکام شرعی در ازدواج، طلاق، اطاعت زن از مرد، تعدد همسر دائم برای مرد و... را برتری عقلی و کمالی می‌داند و نتیجه می‌گیرد که زن، طفیلی مرد است. ملاصدرا در کتاب *اسفار*، فصل چهارده از جلد هفتم از موقف ثامن در بیان عنایت الهی در خلقت زمین و منافع آن بر اساس قرآن کریم حکمت‌های خلق زمین را می‌شمرد و می‌فرماید: و از عنایات الهی در خلقت زمین، تولد حیوانات مختلف است که بعضی برای خوردن و بعضی برای سوار شدن و زینت و بعضی برای بارکشیدن و بعضی برای تجمل و آسایش و بعضی برای نکاح و آمیزش و خداوند برای شما از جنس خودتان همسرانی قرار داد و بعضی برای تهیه پوشاک و خانه و اثاث. (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ۷/۱۳۷)

حکیم سبزواری، شارح بزرگ حکمت متعالیه و پایبند به اعتقادات ملاصدراست و در حاشیه *اسفار* این عبارت را این‌گونه تفسیر می‌کند:

اینکه صدر المتألهین زنان را در عداد حیوانات درآورده است اشاره لطیفی دارد به اینکه زنان به دلیل ضعف عقل و جمود بر ادراک جزئیات و میل و رغبت به زیورها و زینت‌های دنیا، حقاً و عدلاً نزدیک است که به حیوانات زبان بسته ملحق شوند. اغلبشان سیرت چهارپایان دارند، ولی به آنان صورت انسان داده‌اند تا مردان از

مصاحبت با آنها اکراه نداشته باشند و به نکاح با آنان راغب باشند و از همین جاست که شرع مطهر، مردان را در کثیری از احکام مثل طلاق و نشوز و ادخال ضرر، بر ضرر بر زنان غلبه و چیرگی داده است. (سبزواری، ۱۳۶۸، ۷/ -)

حکیم سبزواری در این عبارات زن را علاوه بر تضعیف عقل و کمال در حد حیوان پایین آورده که جهت تطمیع مرد لباس انسانی به تن کرده است و گرنه سیرت زن را حیوان می داند.

## ۲-۳-۱. نقد و بررسی دیدگاه حکیم سبزواری درباره زن

### اول، ناقص العقل بودن زن

شاید حکیم سبزواری به حدیثی که در نهج البلاغه (۱۳۹۲) از نواقص العقول و الایمان و الحظوظ بودن زنان آمده است و یا روایاتی درباره ناقص العقل و ناقص الدین بودن زنان از پیامبر ﷺ آمده است (رک.، بخاری، ۱۳۸۷) استناد دارد؛ اگرچه مستند بودن این روایات جای شک است و تأیید قطعی نشده است (مهریزی، ۱۳۸۶). روایاتی که مرد را بر زن مزیت داده است یا از نظر سند، نارسایی دارند یا دلالت آنها ناتمام است و اگر از هر دو جهت تام باشند، چون مسئله مورد بحث، امری تعبدی محض نیست، نمی توان آن را با دلیل ظنی که در علم سودمند نیست، ثابت کرد (جوادی آملی، ۱۳۸۵). این گونه روایات بر اساس شرایط خاصی روایت شده اند و نباید آنها را مانند قضیه ای کلی دانست؛ چنانچه روایت مذکور از امام علی علیه السلام در جریان جنگ جمل بیان شده است. شاید بتوان سخنان امام علی علیه السلام در خطبه هشتاد نهج البلاغه (۱۳۹۲) را این گونه توجیه کرد که منظور قوه حافظه در امور اجتماعی و اقتصادی است که مردان به زنان قوی ترند، ولی ارزش این قوه، دلیل برتری و فضیلت بر زن نیست. دیدگاه امام علی علیه السلام در تکریم زن، ریحانه دانستن او که باغبانش خداوند است، می باشد و گرنه دانستن مقام و منزلت حضرت زهرا علیها السلام نزد ایشان گواه بر این مطلب است.

در هیچ جای قرآن به ناقص بودن عقل زن اشاره نشده است. شاید از مواردی که عده ای با تمسک به آیات و احکام فقهی زن را ناقص العقل و مرد را برتر از او می دانند آیه ۲۸۲ سوره بقره است که شهادت یک مرد را برابر شهادت دو زن می داند، اما در حقیقت علت این است که اگر یکی از این دو فراموش کرد، دیگری او را تذکر بدهد. عده ای این حکم قرآنی را قضیه ای خارجی می دانند که به اجتماع و زمان خاصی مربوط می شود (حسینی نژاد، ۱۳۸۰) و اینکه وضعیت اجتماعی متفاوت زن با مرد و دور بودن از آموزش و تعلیم، سبب تفاوت های





زن با مرد شده است (مهرپور، ۱۳۷۸).

پس از تفحص در آراء بزرگان می‌توان دو دیدگاه عمده درباره نقصان عقل زن بیان کرد:  
- دیدگاه اول به دسته تقسیم می‌شود که عبارتند از: نخست آنهایی که تفاوت تعدد شاهد را در قرآن به غلبه عواطف و احساسات زن در مقایسه با مرد می‌دانند، در حالی که این موضوع را نقصان عقل زن نمی‌دانند، مانند علامه فضل‌الله (۱۴۰۵ ه.ق)، مکارم شیرازی (۱۳۷۴) و صاحب تفسیر انوار العرفان (داورپناه، ۱۳۷۵). دسته دوم تعدد شهادت زن را ضعف نسبی حافظه و قوه ضبط می‌دانند، اما این را ضعف را نقص عقل زن نمی‌دانند، مانند صاحب تفسیر المنیر (زحیلی، ۱۴۱۱ ه.ق)، حسینی شیرازی (۱۴۰۰ ه.ق) در تقریب القرآن، مدرسی (۱۳۷۷) در من هدی القرآن، شریف لاهیجی (۱۳۴۰) و جوادی آملی (۱۳۸۵). بر این اساس، قائلان به دیدگاه اول، تعدد شاهد برای زن را دلیل بر نقص عقل او نمی‌دانند.

قائلان به دیدگاه دوم با استنباط از آیه ۲۸۲ سوره بقره، معتقد به نقصان عقل زنان هستند، مانند ابن میثم (۱۳۷۵)، هاشمی خویی (۱۳۵۸)، ابن کثیر (۱۴۱۹ ه.ق)، طبرسی (۱۴۰۶ ه.ق)، فخر رازی (۱۳۷۹)، فیض الاسلام (۱۳۷۹) در شرح نهج البلاغه، موسوی (۱۳۷۷) و مدرس وحید (۱۳۸۷) که در عقل نظری یا عقل تدبیری حکم به نقصان عقل زن داده‌اند. در حالی که هیچ‌جای آیه به نقصان عقل زن اشاره ندارد، بلکه آیه در مقام تعدد زنان در امر شهادت است. گواهی باید عادلانه باشد، فرقی ندارد که زن باشد یا مرد. چنانچه مطهری (۱۳۹۲) نیز می‌گوید: «گواهی با حس ارتباط دارد نه با عقل». چه بسا به سبب مشغله زیاد، زن دچار غفلت و فراموشی شود. نسیان و غفلت حالت طبیعی است که می‌تواند هم برای مرد و هم برای زن روی دهد. چون در شهادت، عدالت شرط است و دقت لازم است، بنابراین، زن دیگری اضافه می‌شود، ولی این به معنای نقص عقل زن نیست. چون اگر عقل زن ناقص باشد، افزودن یک زن به دیگری به معنای افزوده شدن یک عقل ناقص به عقل ناقص دیگر است که عقل کامل به دست نمی‌دهد. هر چند که مرد و زن از نظر خلقت جسمانی با هم تفاوت دارند (ر.ک. آل عمران: ۲۶) و مردها از نظر جسمی بر زن‌ها برتری‌هایی دارند، اما این برتری‌ها که خداوند هم در قرآن به آن اشاره کرده است (ر.ک. نساء: ۳۴) فضیلت نیست بلکه ناشی از تفاوت‌های زیستی، روانی، و احساسی در زن و مرد است.



ویژگی‌های مخصوص زنان مانند حیض، نفاس، شیردهی، حاملگی و امثال اینها هر کدام اذیت و ابتلائی برای زن است که به سبب شرایط جسمی، زن در زندگی مسئولیت کمتری دارد و مرد که توانایی جسمی و بدنی بیشتری دارد، عهده‌دار مسئولیت خانواده است. به دلیل همین تفاوت‌های تکوینی، تشابه حقوقی این دو جنس امکان پذیر نیست و در مقام تشریح نیز با هم متفاوت هستند، چنانچه شهید مطهری نیز به این مطلب اشاره دارد (مطهری، ۱۳۹۲).

از دیدگاه اسلام، خدای حکیم به مقتضای بقای نسل، انسان را به دو صنف زن و مرد تقسیم کرده است و تفاوت در برخی خصلت‌ها لازمه چنین تقسیمی است. (مهریزی، ۱۳۸۶) زن از جنبه مادی به مرد نیازمند است و مرد از جنبه روحی به زن نیازمند می‌باشد و این نقص و کمال نیست بلکه تفاوت‌هایی متناسب است. آیات بسیاری از جمله آیات ۱۹۰ تا ۱۹۳ سوره آل عمران بین زن و مرد از نظر عقلی هیچ تفاوتی نمی‌گذارد. آیه ۱۹۰ سوره، اولی‌الالباب را عده‌ای انسان معرفی کرده است که اهل ذکر و فکر و دعا هستند و صاحبان عقل و خرد یعنی، اولی‌الالباب را شامل زن و مرد می‌داند که هیچ عملی از آنها ضایع نمی‌شود. اگر عقل زن از مرد کمتر باشد، تکلیف زن در واجبات و محرمات دینی کمتر از مرد می‌بود؛ زیرا مسئولیت هر کس به میزان عقلی است که دارد. اگر عقل نقصان داشت، نمی‌توانست عهده‌دار مسئولیت‌های یک عقل کامل باشد، وگرنه در حقوق او ظلم شده است، چون تکلیف مالایطاق است. درحالی‌که خداوند متعال می‌فرماید: «لایکلف الله نفسا الا وسعها» (بقره: ۲۸۶) در همه واجبات و محرمات شرعی، زن و مرد مشترکند و خداوند میان آنها فرقی نگذاشته است. همچنین براساس این آیه، نفس است که عهده‌ار تکلیف می‌شود و نفس انسانی مذکر و مؤنث ندارد.

نقص ایمان به دلیل عدم انجام بعضی فرایض در دوران حیض، غیر قابل قبول است؛ زیرا هم محرومیت‌های زن در دوران حیض جبران پذیر است و قضای آنها را به جا می‌آورد و هم زن، شش سال زودتر از مرد این فرایض را به جا می‌آورد. در عین حال، زن از سن پنجاه سالگی حیض نمی‌شود و محرومیت ایام عادت را ندارد و همین‌طور زنان باردار نیز در دوران حمل عادت نمی‌شود. کنار ماندن زن از نماز و روزه در ایام قاعدگی در راستای

التزام به دستورات الهی است و ترک نماز و روزه در این روزها نشان از کامل بودن دینشان و التزام به دستورات دینی دارد. اگر خداوند حائض را از نماز و روزه منع نمی‌کرد، زنان نماز می‌خواندند و روزه می‌گرفتند. چه بسا مردانی که مکلف هستند، ولی وظیفه دینی خود را به هر دلیلی انجام نمی‌دهند، پس باید براساس سخن سبزواری آنها را هم ناقص‌العقل دانست. بنابراین، سخن سبزواری در نقصان عقل زن به دلیل عدم انجام فرایض در بعضی از روزها و برخی احکام فقهی، قابل پذیرش نیست.

### دوم) بی‌نصیب بودن زنان از عقل نظری

انسان دو شأن دارد؛ یکی عقل نظری که با آن می‌اندیشد و دیگری عقل عملی که می‌پذیرد و عمل می‌کند. وصف عقل نظری، علم، اندیشه و فهم است. موصوف عقل عملی، مسائل اخلاقی و معیار فضیلت است که مذکر و مؤنث ندارد. در عقل نظری، فرد عالم می‌شود، ولی افضل نزد خدا نمی‌شود؛ شخص باتقواتر نزد خدا افضل تر است (ر.ک.، حجرات: ۱۱۳). راه عقل، اندیشیدن و راه دل، عمل کردن است و باید بین آنها هماهنگی برقرار کرد. علم، هدف نیست بلکه مقدمه عمل است. عمل، دل و قلب، هدف است و عقل نظری (که کار آن اندیشه و تفکر است)، ابزار است (جوادی آملی، ۱۳۸۵). معیار برتری عقلانی، عقلی است که روایات ترسیم کرده‌اند: «العقل ماعبد به الرحمن و اكتسب به الجنان؛ عقل آن چیزی است که به سبب آن خدای متعال عبادت شده و بهشت کسب شود» (کلینی، ۱۴۰۷ ه.ق. ۱۱/۱). عقل برای عبادت و تقرب به خدا و کمالات روحی است و این عقل به روح بازمی‌گردد؛ روحی که مورد خطاب انبیاست (ر.ک.، یوسف: ۱۰۸) و از این نظر زن و مرد همانند می‌باشند. تجربه و برهان، قوی‌تر بودن مرد بر زن را در این جنبه نمی‌پذیرد. شاید مردان در مسائل سیاسی و علمی برتری داشته باشند، ولی اینها موجب تقرب به خدا نمی‌شود و فضیلت نیست. شاید منظور حکیم سبزواری در برتری عقلی مرد بر زن، عقل ابزاری باشد، مانند مسائل علوم سیاسی، اقتصادی، تجربی، ریاضی و... که برای چرخش دنیا به کار می‌روند و سبب تقرب به خداوند نیستند مگر اینکه با تقوا همراه باشند (جوادی آملی، ۱۳۸۵). علامه طباطبایی (۱۳۷۲، ۵۵۰/۲۰) می‌گوید: «آن عقلی که در مرد بیش از زن است فضیلتی زاید است، نه معیار فضلی». چنین شرايطی کمتر در اختیار زنان است و با گذشت زمان این امر فراهم شده است، پس سخن سبزواری در نداشتن عقل نظری زن، مردود است.

## سوم) حیوان دانستن زن

خانواده براساس دوستی انسانی و عقلی بنا شده است نه بر محور شهوت جنسی. (جوادی آملی، ۱۳۸۵) نقش زن در خانواده، ایجاد آرامش و سکینت است (ر.ک.، اعراف: ۱۸۹). زن که خود مظهر جمال الهی است برپاکننده اصل روانی آرامش در خانواده است نه به عنوان عامل رفع شهوت. چنانچه در حدیث امام صادق علیه السلام از زراره، ابتدا حوا را مایه انس انسانی آدم معرفی می‌کند بعد گرایش به شهوت جنسی را مطرح می‌نماید (ابن بابویه، ۱۴۰۴ هـ.ق)؛ مرد در کنار زن به آرامش می‌رسد و به همین سبب مجذوب او می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۵). نکته دیگر آیه ۱۸۹ سوره اعراف این است که براساس نفس واحده، میان زن و مرد هیچ فرقی نیست چنانکه بین انسان اولی و انسان بعدی امتیازی نیست. خداوند در سوره روم نیز همین مطلب را تأکید می‌کند و به رحمت و مودت میان زن و مرد اشاره دارد و انسی که مرد در کنار زن دارد، رحمت و مودت الهی است که خداوند بین آنها قرار داده است. گرایش غریزی در حیوانات هم وجود دارد و خداوند گرایش شهوی حیوانات را رحمت نمی‌نامد (ر.ک.، روم: ۲۱)، درحالی‌که آنچه سبزواری (۱۳۶۸، ۷/ -) در شرح/سفر آورده است با آیات سازگار نیست. در سخن ملاصدرا و حکیم سبزواری به آیه «انفسکم ازواجاً؛ از جنس خودتان همسرانی برایتان قرار دادیم» استناد شده است (ر.ک.، روم: ۲۱). به نظر نویسنده، اگر زن حیوان باشد، پس مرد هم حیوان است. زاده زن به جز خودش نمی‌تواند باشد.

شاید در توجیه سخن ملاصدرا که سبزواری آن را شرح کرده است، بتوان گفت که نکاح امری دوطرفه است و منظور از حیوان، حیوان ناطق است و نامی از زن نیاورده است. چنانچه سیره عملی ملاصدرا نگاه سبزواری را نفی می‌کند؛ زیرا برای زنان دوره خود ارزش زیادی قائل بود و برای رفع مشکلات علمی خود به زیارت معصومه (س) می‌رفت. (حسن زاده آملی، ۱۳۹۵) همچنین دخترانش با مدارج بالای علمی و با تسلط بر علوم آن زمان و حضور در مجلس دانشمندان، مباحثه می‌کردند و یا حافظ قرآن و حدیث شناس، عابد، زاهد و در ادبیات، استاد بودند (امین عاملی، ۱۴۲۱ هـ.ق). بدیهی است که زندگی ملاصدرا اولین ردکننده برداشت حکیم سبزواری است. پیروان شاخص علمی و عملی مکتب صدرایی مانند امام خمینی رحمته الله علیه که ملاصدرا را فخر طایفه حقه می‌دانند (ر.ک.، موسوی خمینی، ۱۳۹۲) نیز بیانگر تکریم



مقام زن است. دیدگاه سبزواری درباره حضرت زهرا علیها السلام و حضرت معصومه علیها السلام و زنان اسوه دیگر و حتی در مورد مادر و همسر و دختران خود نیز چنین نیست که آنها را حیوانی بداند که برای تطمیع مرد، پوست انسان بر آن کشیده باشند وگرنه چگونه فرزند خود را به احترام مادر که دستور دین است، وادار کند. به نظر نویسنده، لغزش حکیم سبزواری در این است که گویا جز زنان، هیچ انسانی به زیور دنیا و مسائل آن علاقه ندارند در حالی که تعلقات دنیوی و جزئی نگری اگر در میان مردان بیشتر از زنان نباشد، کمتر نیست. حکیم سبزواری در *اسرارالحکم* در سرّ عددی ۹ که سن تکلیف دختران است آن را عدد کاملی می‌داند و می‌نویسد:

تسعه عدد کاملی است و اصل اعداد است، پس دختر چون اکمال این عدد کامل نماید، کاشف از این است که از جنسیت حیوانیت صامته رسته و آدمیت در او نزول اجلال نموده و بار خلافت و امانت تکلیف را آدم باید بکشد: «أنا عرضنا الامانه علی السموات و الارض» (ر.ک.، احزاب: ۷۲). (سبزواری، ۱۳۸۸)

سبزواری در جای دیگر می‌گوید: «پس باید مکلف باشد به آداب شرعی از طهارت باطنه و ظاهره و عبادات، و خصال طیبه جنسیت باشد تا وقتی در قلب داشته باشد». (سبزواری، ۱۳۸۸) یک حیوان نه بار امانت می‌کشد و نه تکلیف می‌شود و نه قلبی برای اوست تا به طهارت ظاهر و باطن برسد. به کاربردن لفظ حیوان و ناقص العقلی او از جانب این حکیم با سخنان خودش هماهنگی ندارد.

#### چهارم) طفیلی بودن زن

برخی معتقدند که سرشت و آفرینش زن فروتر از مرد است (ادکایی، ۱۳۷۹)، اما براساس آیه ۱۸۹ سوره اعراف و آیه ششم سوره زمر، اولین زن و مرد از یک گوهر ساخته شده‌اند و زن از گوهر دیگر و فرع بر مرد و زاید او و طفیلی او نیست. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «به درستی که خداوند متعال حواری از باقی مانده گلی که آدم را از آن خلق کرده بود، آفرید» (طبرسی، ۱۴۰۶ ه.ق). همچنین در تفسیر عیاشی نقل شده است:

از امام باقر علیه السلام سؤال می‌شود: حوا از چه آفریده شد؟ حضرت فرمود: «دیگران در این باره چه می‌گویند؟» گفته شد: آنها می‌گویند خدا حواری از یکی از اضلاع و دنده‌های آدم آفریده است. حضرت فرمود: «آنان دروغ گفته‌اند، آیا مگر خداوند عاجز است از



اینکه از غیر ضلع و دنده های آدم، حوا را خلق می کرد». آنگاه از حضرت سؤال شد: پس حوا از چه آفریده شده است؟ حضرت فرمود: «پدرم از پدران خود نقل کرد که رسول خدا ﷺ فرمود: «خداوند متعال مشتی از خاک برگرفت، آن را با دست راست خود - اگرچه هر دو دست او راست است - مخلوط نمود و از آن آدم را خلق کرد و از آنچه باقی گذاشت، حوا را آفرید»». پس زن و مرد از یک گوهر واحد خلق شده اند. (عیاشی، ۱۳۸۰)

روایتی نیز به همین مضمون ابن بابویه (۱۴۰۸ هـ.ق) به طور مسند و به شکل مرسل بیان کرده است. بنابراین، آفرینش حوا مانند آدم، نوظهور و مستقل است و طفیلی دانستن زن، ذبح شخصیتی اوست. شخصیتی که کشتن یک نفر آن کشتن خلقی است (رک. مائده: ۳۲). احکام شرعی هیچ کدام دلیل برتری مرد نیست و در این باره می توان به کتاب نظام حقوق زن در اسلام از مطهری مراجعه کرد.

## ۲-۴. دیدگاه عرفانی امام خمینی رحمته الله علیه در مورد زن

### ۲-۴-۱. کرامت زن

زن و مرد هر دو جلوه وجود حق هستند و زن مثل مرد، خلقتی با کرامت دارد. امام خمینی رحمته الله علیه می گوید: «همان طوری که مرد در همه شئون دخالت دارد، زن هم دخالت دارد. زن ها مقام کرامت دارند، زنها اختیار دارند، همان طوری که مردها اختیار دارند، خداوند شما را با کرامت خلق کرده است، آزاد خلق کرده است» (موسوی خمینی، ۱۳۷۹).

### ۲-۴-۲. جمال زن

خاستگاه کمالات انسانی که جمال معنوی انسان هاست در سعادت بشری است. امام خمینی رحمته الله علیه نیز جمال باطنی زن را در کمال معنوی او می داند و زن را مبدأ همه سعادت ها می داند:

زن انسان است، آن هم یک انسان بزرگ. زن مربی جامعه است. از دامن زن انسان ها پیدا می شوند. مربی انسان ها زن است. سعادت و شقاوت کشورها بسته به وجود زن است. زن با تربیت صحیح خودش انسان درست می کند و با تربیت صحیح خودش کشور را آباد می کند. مبدأ همه سعادت ها از دامن زن بلند می شود. زن مبدأ همه سعادت ها باید باشد. (موسوی خمینی، ۱۳۷۹)

## ۲-۴-۳. زن محبوبه خلقت

امام خمینی رحمته الله علیه به پیروی از رسول الله صلی الله علیه و آله در نامه‌ای خطاب به همسرش می‌نویسد و بیان می‌کند:

تصدقت شوم، الهی قربانت بروم، در این مدت که مبتلا به جدایی از آن نور چشم عزیز و قوت قلبم گردیدم، متذکر شما هستم. الان در شهر زیبای بیروت هستم. حقیقتاً جای شما خالی است. فقط برای تماشای شهر و دریا منظره خوش دارد. صد حیف که محبوب عزیزم همراه نیست که این منظره عالی به دل بچسبد. (موسوی خمینی، ۱۳۷۹)

این سخن از یک فقیه، عارف، سیاستمدار و حکیم، بیانگر حقایق ژرف عرفانی و وحیانی درباره محبت به همسر و نمودار محبوبیت زن در نگاه متعالی عرفانی امام خمینی رحمته الله علیه است.

## ۲-۴-۴. نگاه رحامت

نگاه امام خمینی رحمته الله علیه به تمام موجودات و به ویژه انسان و از جمله زن که خود مورد رحمت پروردگار است، نگاه رحمت و مرحمت است. تأکید دین بر صله رحم که از یک رحم متولد شده‌اند در حقیقت پیوند با اسم الرحمن است و کسی که قطع صله رحم کند از رحمت خداوند بی نصیب است. (حسن زاده آملی، ۱۳۷۸) امام رحمته الله علیه نیز خطاب به فرزندش احمد این مهم را تأکید می‌کند (موسوی خمینی، ۱۳۷۹).

## ۲-۴-۵. زن انسان ساز

نقش زنان در مبارزات ملت ایران جایگاه والایی در نگاه امام رحمته الله علیه رقم زده است. مظهر تحقق آمال بشر، انسان سازبودن، تربیت‌کننده مردها، رهبران نهضت و... گوشه‌ای از تعریف‌های امام خمینی رحمته الله علیه برای بانوان است. ایشان می‌فرماید:

اگر زن‌های انسان ساز از ملت‌ها گرفته شود، ملت‌ها به شکست و انحطاط مبدل خواهند شد، شکست خواهند خورد، منحل خواهند شد. زن‌ها هستند که ملت‌ها را تقویت می‌کنند، شجاع می‌کنند. بانوان از صدر اسلام - در صدر اسلام - با مردان در جنگ‌ها شرکت داشتند. مقام زن مقام والاست، عالی‌رتبه هستند. بانوان در اسلام بلند پایه هستند. ما می‌بینیم و دیدیم که زن‌ها، بانوان محترمانه، هم‌دوش مردان بلکه جلو مردان در صف قتال ایستادند. (موسوی خمینی، ۱۳۷۹)

## ۲-۴-۶. مقام والای مادری

چه زیبا امام خمینی رحمته الله علیه اهمیت و شرافت مادری را در نامه‌ای به فرزندش، سید

احمد، بیان می‌کند:

حقوق بسیار مادرها را نمی‌توان شمرد و نمی‌توان به حق ادا کرد. یک شب مادر نسبت به فرزندش از سالها عمر پدر متعهد ارزنده‌تر است. تجسم عطوفت و رحمت در دیدگان نورانی مادر، بارقه رحمت و عطوفت رب العالمین است. خداوند تبارک و تعالی قلب و جان مادران را با نور رحمت ربوبیت خود آمیخته، آن‌گونه که وصف آن را کسی نتوان کرد. اینکه در حدیث آمده است که بهشت زیر قدم‌های مادران است، یک حقیقت است و اینکه با این تعبیر لطیف آمده است، برای بزرگی عظمت آن است. (موسوی خمینی، ۱۳۷۹)

#### ۲-۴-۷. مظهر نفس کل

در کلمات امام خمینی رحمته‌الله‌علیه اگرچه این تعبیر که فاطمه زهرا علیها‌السلام مظهر نفس کل است، نیامده است، ولی حقایق و معارفی درباره آن حضرت در سخنان ایشان است که ناظر بر این رویکرد عرفانی است. ایشان می‌فرماید:

فاطمه زهرا علیها‌السلام یک زن معمولی نبوده است. او موجود ملکوتی است که در عالم به صورت انسانی ظاهر شده است بلکه موجود الهی جبروتی در صورت یک زن ظاهر شده است. معنویات، جلوه‌های ملکوتی، جلوه‌های الهی، جلوه‌های جبروتی، جلوه‌های ملکی و ناسوتی، همه در این موجود مجتمع است. (موسوی خمینی، ۱۳۷۹)

این فراز سخن امام رحمته‌الله‌علیه اگرچه درباره عظمت وجودی و ملکوتی حضرت زهرا علیها‌السلام است، ولی به‌طور کلی این نکته را نشان می‌دهد که زن به مقام و منزلتی از کمال می‌رسد که می‌تواند مظهر و تجلی نفس کل محسوب شود که بزرگ‌ترین مقام معنوی برای زن است. امام خمینی رحمته‌الله‌علیه تأکید دارد که تمام هویت انسانی و کمالات وجودی که برای یک انسان قابل تصور است، در وجود حضرت زهرا علیها‌السلام جمع شده است.

#### ۲-۴-۸. سلوک معنوی و عرفانی

براساس آموزه‌های وحیانی و عرفانی در عرفان امام خمینی رحمته‌الله‌علیه زن در همه امور معنوی و راهکارهای معنوی و راهکارهای تکامل روحی و سیر و سلوک عرفانی هم‌سنگ و هم‌تراز مرد است و هیچ کاستی از این بُعد نسبت به مردان ندارد. از منظر امام خمینی رحمته‌الله‌علیه، خاستگاه بسیاری از موفقیت‌های معنوی مردان، زنان هستند، چنانچه می‌فرماید: «زن مظهر تحقق آمال بشر است. زن پرورش‌ده زن و مردان ارجمند است. از دامن زن مرد به معراج می‌رود. دامن زن





محل تربیت بزرگ زنان و بزرگ مردان است» (موسوی خمینی، ۱۳۷۹). امام خمینی رحمته الله علیه در تأکید سیر و سلوک عرفانی برای زنان همتای مردان، کتاب *آداب الصلوه* خود را به عروسش تقدیم نموده است و می‌فرماید: «دخترم هرچند در تو بحمدالله لطافت روحی یافتم که امید آن است که هدایت شامل حالت شود و با عنایت او - جل و علاه - از چاه عمیق طبیعت خلاص شوی و به صراط مستقیم انسانیت راه یابی...» (موسوی خمینی، ۱۳۹۴).

### ۳. بحث و نتیجه‌گیری

از مطالعه تطبیقی صورت‌گرفته در معرفت‌شناسی دیدگاه عرفانی حکیم سبزواری و امام خمینی رحمته الله علیه مشخص می‌شود که آنها در تبیین آرای عرفانی خود از سه روش نقلی، عقلی و کشف و شهود به صورت ترکیبی بهره برده‌اند. دیدگاه عرفانی حکیم سبزواری نسبت به زن (با وجود جایگاه رفیع ایشان در فلسفه، فقه، عرفان) این است که زن ناقص‌العقل است و عقل نظری را ندارد و به دلیل کمال مرد، طفیلی اوست. زن حیوانی است که برای تطمیع مرد لباس انسانی پوشیده است تا مرد از او روگردان نشود. این درحالی است که براساس آموزه‌های وحیانی قرآن کریم و احادیث، زن کرامت و عزت دارد. اگرچه خلقت زن از نظر جسمانی با مرد متفاوت است، ولی این مایه برتری عقلی مرد نیست بلکه زن در گوهر وجودی با مرد یکی است. روح انسانی که مخاطب قرآن است، ذکورت و انوثنیت ندارد و روح است که به تعالی و تقرب می‌رسد.

زن براساس آیات، آرامش‌گر مرد و خانواده است و به‌عنوان مادر در آیات و روایات، تجلی اسم‌الرحمن است. شاید حکیم سبزواری در برداشت از سخن امام علی علیه السلام و ملاصدرا دچار خطای سهوی شده است و یا براساس اعتقاداتش دیدگاهی سلفی، سنتی، منفی و محدودساز دارد. اگرچه سند سخن امام علی علیه السلام قطعی نیست، ولی قابل توجیه است. سخن ملاصدرا قابل توجیه است، ولی ایده سبزواری مورد تأیید بسیاری از علما و فقها نیست. همچنین اسرار عددی ۹ که حکیم سبزواری برای سن تکلیف دختران بیان کرده است، با ایده‌های خودش هماهنگی ندارد و ناقض سخنان خود حکیم است.

دیدگاه عرفانی امام خمینی رحمته الله علیه برخلاف دیدگاه حکیم سبزواری به زن، مثبت است.



ایشان در تطبیق عرفان و فقه و آموزه‌های وحیانی، زن را مخلوق با کرامت خداوند می‌داند که می‌تواند به تمام مقامات متعالی که خداوند مقرر کرده است، دست یابد؛ زیرا مقامات عرفانی با روح و جان آدمی در ارتباط است و روح و جان، ذکورت و انوئت ندارد. زن هیچ‌گونه اختلافی از نظر عقلی با مرد ندارد و هر دو در گوهر وجود، یکسان هستند. براساس آیات وحیانی، زن از نظر ایمانی همتای مردان است. امام خمینی رحمته‌الله‌علیه زن را محبوبه خلقت و با عنوان‌های جامعه‌ساز و انسان‌ساز حتی بالاتر از مردان و جمال باطنی زن را در کمال معنوی وی می‌داند. نگاه امام خمینی رحمته‌الله‌علیه به تمام موجودات و به ویژه انسان و زن که مورد رحمت پروردگار هستند، نگاهی جمالی و رحامتی است. دیدگاه امام خمینی رحمته‌الله‌علیه براساس آیات و روایات است؛ ایشان زن را واجد همان کمالات و شرایط اجتماعی می‌داند که مرد از آن برخوردار است.

### فهرست منابع

- \* قرآن کریم (۱۳۸۰). مترجم: مهدی، الهی قمشه‌ای. قم: چاپخانه بزرگ قرآن کریم.
- \* نهج البلاغه (۱۳۹۲). مترجم: دشتی، محمد. تهران: پیام عدالت.
۱. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹ ه.ق). تفسیر القرآن العظیم. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲. ابن میثم بحرانی، کمال الدین (۱۳۷۵). شرح نهج البلاغه. مترجم: محمدی مقدم، قربانعلی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس.
۳. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۱۴۰۳ ه.ق). الخصال. قم: جامعه مدرسین.
۴. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۱۴۰۴ ه.ق). من لایحضر الفقیه. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۵. ابن عربی، محی الدین (۱۳۸۳). مناقب (مناقب اثنی عشر). قم: مطبوعات دینی.
۶. ابن عربی، محی الدین (۱۴۲۲ ه.ق). تفسیر القرآن الکریم. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۷. ابن عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰). تفسیر العیاشی. تهران: علمیه اسلامیة.
۸. ادکایی، پرویز (۱۳۷۹). دایره‌المعارف تشیع. تهران: نشر شهید سعید محبی.
۹. اربلی، علی بن حسین (۱۳۸۱). کشف‌الغمه فی معرفه‌الائمه. تبریز: محمدباقر کتابچی حقیقت.
۱۰. امین‌عاملی، سید محسن (۱۴۲۱ ه.ق). مستدرک اعیان الشیعه. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
۱۱. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۱۴۰۸ ه.ق). علل الشرایع. بیروت: مؤسسه الاعلی.
۱۲. آمدی، عبدالواحد (۱۳۸۱). غررالحکم و درر الکلم. مترجم: انصاری قمی، محمد علی. قم: امام عصر علیه‌السلام.
۱۳. بخاری، محمود بن اسماعیل (۱۳۸۷). صحیح بخاری. مترجم: نوراحراری، عبدالعلی. تربت جام: شیخ الاسلام احمد جام.
۱۴. جامی، عبدالرحمن (۱۳۵۷). نقد النصوص فی شرح نقش الفصوص. تصحیح و تعلیق: ویلیام چیتیک. تهران: انجمن فلسفه ایران.
۱۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵). زن در آئینه جمال و جلال. قم: اسراء.
۱۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۲). تفسیر انسان به انسان. قم: اسراء.
۱۷. حرعاملی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴ ه.ق). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
۱۸. حسن‌زاده آملی، حسن (۱۳۷۸). ممدالهمم در شرح فصوص الحکم. تهران: نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۹. حسن‌زاده آملی، حسن (۱۳۷۹). هزار و یک کلمه. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

۲۰. حسن زاده آملی، حسن (۱۳۹۵). *اتحاد عاقل و معقول*. قم: بوستان کتاب.
۲۱. حسینی شیرازی، سید محمد (۱۴۰۰ ه.ق). *تقریب القرآن الی الازهان*. بیروت: مؤسسه الوفا.
۲۲. حسینی نژاد، حسینقلی (۱۳۸۰). *ادله اثبات دعوی*. تهران: دانش نگار.
۲۳. داوودپناه، ابوالفضل (۱۳۷۵). *انوار العرفان فی تفسیر القرآن*. تهران: صدر.
۲۴. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۱). *لغت نامه*. تهران: نشر دانشگاه تهران.
۲۵. زحیلی، وهبه (۱۴۱۱ ه.ق). *التفسیر المنیر*. بیروت: دارالفکر المعاصر.
۲۶. سبزواری، هادی بن مهدی (۱۳۸۸). *اسرارالحکم*. تهران: اسلامیه.
۲۷. سبزواری، هادی بن مهدی (۱۳۹۲). *شرح نبراس الهدی*. قم: بیدار.
۲۸. سبزواری، هادی بن مهدی (۱۳۶۸). *شرح اسفار اربعه ملاصدرا*. قم: مکتبه المصطفوی.
۲۹. شریف لاهیجی، بهاء الدین محمد بن علی (۱۳۴۰). *تفسیر شریف لاهیجی*. تصحیح: امینی، محمد ابراهیم. بی جا: مؤسسه مطبوعاتی علمی.
۳۰. صادقی ارگانی، محمد امین (۱۳۸۹). *درسنامه عرفان امام خمینی*. تهران: چاپ و نشر عروج.
۳۱. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۲). *المیزان فی تفسیر القرآن*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۲. طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۰۶ ه.ق). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دارالمعرفه.
۳۳. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۳۷۹). *تفسیر کبیر*. مترجم: حلی، علی اصغر. تهران: اساطیر.
۳۴. فضل الله، سید محمد حسین (۱۴۰۵ ه.ق). *من وحی القرآن*. بیروت: دارالزهرا.
۳۵. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۳۸۴). *علم الیقین*. مترجم: سجادی خو، امیر. قم: بیدار.
۳۶. فیض الاسلام، علی نقی (۱۳۷۹). *شرح نهج البلاغه*. تهران: مؤسسه چاپ و نشر تألیفات فیض الاسلام.
۳۷. قیصری، داوود بن محمود (۱۳۷۰). *شرح فصوص الحکم*. قم: بیدار.
۳۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ه.ق). *الکافی*. تهران: اسلامیه.
۳۹. لاهیجی، محمد بن یحیی (۱۳۷۳). *مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز*. تهران: سعدی.
۴۰. محدث نوری، محمد حسین (۱۴۰۷ ه.ق). *مستدرک الوسائل*. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث.
۴۱. مدرس وحید، احمد (۱۳۸۷). *شرح نهج البلاغه*. قم: مؤسسه فرهنگ و اطلاع رسانی تبیان.
۴۲. مدرس، محمد تقی (۱۳۷۷). *من هدی القرآن*. تهران: دارالمحیی الحسین.
۴۳. مطهری، مرتضی (۱۳۸۱). *نظام حقوق زن در اسلام*. قم: صدرا.
۴۴. مطهری، مرتضی (۱۳۹۲). *مجموعه آثار*. تهران: صدرا.
۴۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۶. ملاصدرا، محمد بن ابراهیم (۱۹۸۱). *اسفار اربعه*. بیروت: داراحیاء التراث.
۴۷. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۷۹). *صحیفه امام*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۴۸. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۹۲). *شرح چهل حدیث*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۴۹. موسوی، سیدعباس (۱۳۷۷). *شرح نهج البلاغه*. بیروت: دارالرسول اکرم صلی الله علیه و آله.
۵۰. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۹۴). *آداب الصلوه*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۵۱. مهرپور، حسین (۱۳۷۸). *بررسی ارزش شهادت زن در قوانین موضوعه ایران و مبانئ فقهی*. نشریه مفید، ۱۸، ۲۰-۳.
۵۲. مهریزی، مهدی (۱۳۸۶). *شخصیت و حقوق زن در اسلام*. تهران: علمی و فرهنگی.
۵۳. هاشمی خوبی، میرزا حبیب الله (۱۳۵۸). *منهاج البراغه فی شرح نهج البلاغه*. تهران: مکتبه الاسلامیه.